جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۴۲۱ | چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۰ | ۷ رجب ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ |
غروب آفتاب: ۱۷:۴۰ | اذان مغرب: ۱۷:۵۹ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۳۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۷ |

حکمت

پیامبر اکرم(ص):

زنهار از خشوع منافقانه و آن، چنان باشد که تن در حالِ خشوع به نظر آید ولی دل، خاشع نباشد.

(گزیده تحف‌العقول)

نما | حسین کشتکار

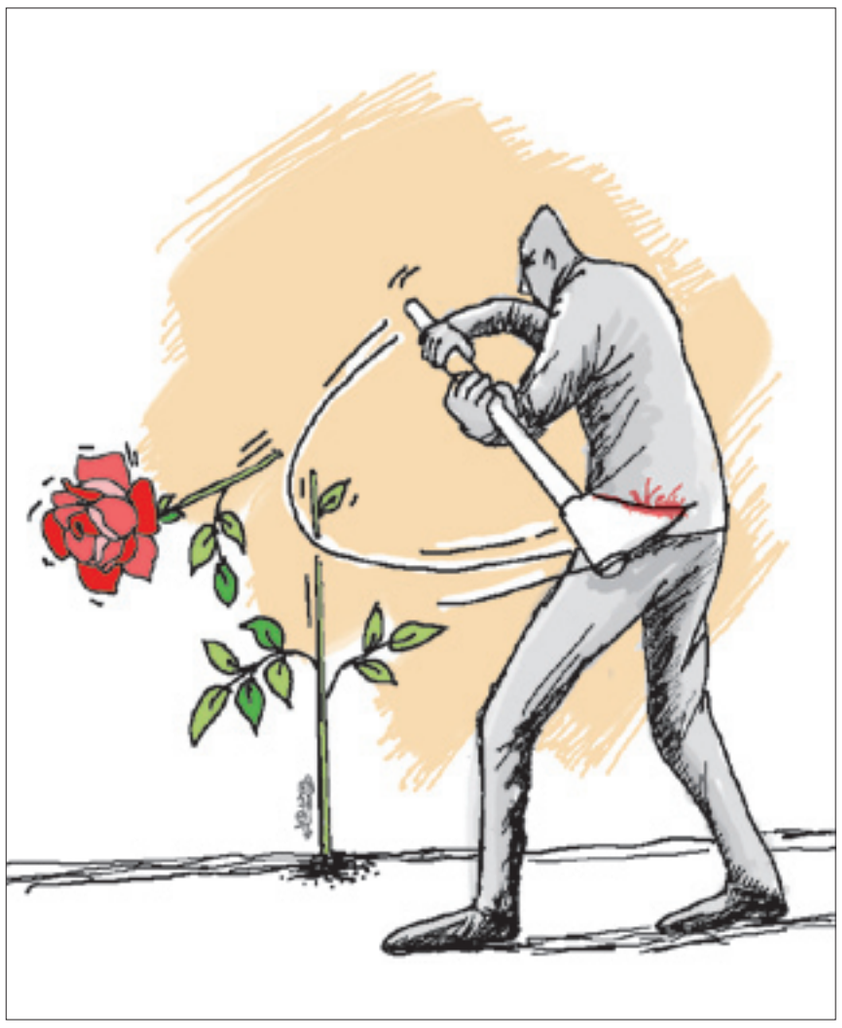

سیخونک به فیلم‌های چهلمین جشنواره فیلم فجر

هیچ شماره دویی جای یک را نمی‌گیرد!

مهدی باکری یا هادی حجازیفر!

هادی حجازیفر موقعیت مهدی را تحت تأثیر سینمای حسین مهدویان ساخته اما اغلب اینگونه است که هیچ شماره دویی جای اصل را نمی‌گیرد. هر قدر «ایستاده در غبار» داستانگو بود و شخصیت‌پردازی درست و دقیقی داشت و موقعیت‌ها از داستان بیرون نمی‌زد، موقعیت مهدی در شخصیت‌پردازی ناکام و در قصه‌گویی بی‌رمق است. ما بیش از اینکه مهدی باکری ببینیم، هادی حجازیفر می‌بینیم. فیلمساز باکری را تقریباً مانند همان شخصیت کمال فیلم «ماجرای نیمروز» از کار درآورده است. فیلم در معرفی افراد حتی همسر مهدی گیج است و فیلمساز آنقدر به خود زحمت نداده است شخصیت باکری‌ها را درک کند و در بازنمایی آن بکوشد. فیلم دو بخش دارد؛ افتتاحیه مجلس خواستگاری و عروسی و نماهایی در خانواده که قدری امیدوارکننده است اما هر چه جلوتر می‌رویم، به ویژه از لحظه ورود به منطقه جنگی با همان کلیشه‌های مرسوم و پرتعداد برخی آثار سینمای دفاع مقدس روبه‌رو می‌شویم؛ توپ و تانک و آرپی‌جی و خاک و خون بدون آنکه قصه‌ای در کار باشد. موقعیت عملیات جنگی اصلاً مشخص نیست. به نظر می‌رسد موقعیت مهدی برای کارگردانش بیشتر یک هوس کارگردانی بوده که برآورده شده است.

بدون قرار قبلی

با اینکه قصه با دو مرگ شروع شد، ولی فیلم فضای دلنشین و لطیفی داشت. بی‌احساسی و سردی پگاه آهنگرانی در نیمه اول فیلم روانم را به شدت می‌آزرد که خب اقتضای شخصیتش در فیلم بود و کمک می‌کرد به اثرگذاری عمیق‌تر اتفاقات و احساساتی که در مسیر داستان باید به مخاطب منتقل می‌شد. مفهوم پایبندی به هویت و خاک، اصل بازگشت به اصالت و عشق به وطن در این فیلم برایم بسیار دلچسب بود که با آمیختگی‌شان در فضای مذهبی فیلم، خوشایندتر هم شده بود.

فیلم بدون قرار قبلی در به تصویر کشیدن یک باور بسیار موفق است؛ اینکه اگر اصالت داشته باشی، حتی یک قبر که نماد مرگ است، می‌تواند وسیله برگشتن تو به زندگی و به اصل خودت باشد.

شهرک

اولش یاد سریال «بازی مرکب» افتادم، ولی مسیرش اصلاً آن نبود.

از یک منظر شاید بشود گفت فیلم در نقد عادت کردن به زندگی و آدم‌های اطراف بود و می‌خواست بگوید به همان راحتی که به یک نفر عادت می‌کنی، می‌توانی ترکش کنی و به یک نفر دیگر وابسته شوی.

از دیدگاه دیگر شاید می‌خواهد بگوید اگر جنبه نداری وارد دنیای وحشتناک و بی‌در و پیکر سینما نشو!

نمی‌دانم حرف حسابش چه بود واقعاً، ولی توانست من را کنجکاو کند که ببینم آخرش چه می‌شود که چیز جالبی هم نشد!

اعتبار سیمرغ مردمی در گرو شفافیت «سمفا»

انتخاب بهترین فیلم از نگاه مردم، یکی از چالش‌برانگیزترین سیمرغ‌های جشنواره فیلم فجر را رقم می‌زند

محمدصادق عابدینی

یک تهیه‌کننده با ادعای اینکه مچ سامانه جمع‌آوری آرای مردمی جشنواره فیلم فجر را گرفته، مدعی تقلب این سامانه به نفع یک فیلم خاص شده است.

انتخاب بهترین فیلم از نگاه مردم، یکی از چالش‌برانگیزترین سیمرغ‌های جشنواره فیلم فجر را رقم می‌زند؛ سیمرغ مهمی که نشانه محبوبیت یک فیلم نزد مردم است و هر سال مدعیانی پیدا می‌شوند تا سیستم جمع‌آوری آرای مردمی را زیر سؤال ببرند.

عباس نادران، تهیه‌کننده فیلم شادوران، به نحوه جمع‌آوری آرای مردمی چهلمین جشنواره فیلم فجر معترض است و می‌گوید: «درباره سامانه سمفا شائبه‌هایی وجود دارد که یکی از آنها در پیش‌فروش بلیت‌هاست. ما در جشنواره بزرگانی را داریم که طبیعی است به خاطر اسمشان بلیت فیلم‌هایشان خیلی زود فروخته شود، مثل آقای کیمیایی و محمدحسین مهدویان، اما پیش‌فروش بعضی بلیت‌ها آن هم در دو روز مانده به شروع اکران فیلم به شدت شائبه‌برانگیز است، یعنی عجیب است فیلمی که دیده نشده، هیچ تبلیغاتی نداشته و کارگردانش هم فرد شناخته‌شده‌ای نیست، میزان پیش‌فروش بلیتش ناگهان بالا رود اما نکته مدنظر من درباره سمفا این بحث نیست چراکه امسال در این سامانه یک مهندسی جدی آرا به نفع یک فیلم در حال رخ دادن است.»

ساماندهی فروش مکانیزه بلیت

«سمفا» (سامانه مدیریت و فروش سینما) یک سامانه نوظهور است که برای ساماندهی فروش مکانیزه بلیت سینماها ایجاد شد. این سامانه که از سوی سازمان سینمایی راه‌اندازی شده است، برای دومین سال پیاپی مسئولیت جمع‌آوری آرای بهترین فیلم از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر را بر عهده دارد. تا پیش از راه‌اندازی سمفا، وظیفه جمع‌آوری آرای مردمی و اعلام نام بهترین فیلم از نگاه تماشاگران فیلم فجر بر اغلب عهده خانه سینما بود.

در نگاه اول انجام مکانیزه امور در سمفا، می‌تواند همه حواشی جمع‌آوری آرای مردمی را از بین ببرد. در دوره‌ای که خانه سینما، جمع‌آوری آرای مردمی را بر عهده داشت، آرای مردمی به صورت دستی شمارش می‌شد، با وجود این اعتراض‌ها نسبت به اینکه آرا چگونه جمع‌آوری و شمارش می‌شود، وجود داشت؛ ایرادی که با آمدن سمفا به نظر از بین رفته بود، ولی نوع دیگری از مشکلات در قامتی جدید به نام سامانه پیامکی رأی دادن خود را جلوه‌گر کرد.

سمفا در هر دو سال که مسئولیت جمع‌آوری آرا را داشته است با حواشی دست و پنجه نرم کرده است

سمفا در هر دو سال که مسئولیت جمع‌آوری آرا را داشته است با حواشی دست و پنجه نرم کرده است. در دوره قبلی جشنواره، ماجرای صعود ناگهانی برخی فیلم‌ها در جدول بهترین فیلم از نگاه مردم اعتراض‌هایی را علیه سمفا به دنبال داشت. مهدویان یکی از کارگردانانی بود که اعتراض خود را به سمفا رسانه‌ای کرد. این کارگردان درباره اتفاقات جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر نوشت: «ماجرای دستکاری در آرای مردمی جشنواره در سه روز آخر رأی‌گیری، بعد از پیگیری عوامل فیلم‌ها در رسانه‌ها، با یک توضیح غیرشفاف از سوی ستاد جشنواره و ابطال شبانه تعدادی از آرا، سرهم‌بندی شد. استفاده بی‌دلیل و فکرنشده از سامانه فروش (سمفا) و کنار گذاشتن نظارت صنفی خانه سینما بر روند رأی‌گیری مردمی، نتیجه‌ای جز بی‌اعتبار کردن مهم‌ترین سیمرغ جشنواره نداشت. امید که این تجربه ناموفق برای دوره‌های بعدی جشنواره تکرار نشود.»

ایجاد اختلال در سامانه دوره سی‌ونهم

اشاره مهدویان به توضیح روابط عمومی جشنواره سی‌ونهم که در بیانیه‌ای چهاربندی، شیوه عملکرد این سامانه را توضیح داده بود، تلویحاً از تلاش برای ایجاد اختلال در این سامانه خبر داده بود. دعوای بهترین فیلم جشنواره سی‌ونهم با دریافت سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران از سوی فیلم «ابلق» به پایان رسید، با این حال امسال فیلمسازان حاضر در جشنواره چهلم خیلی زودتر از سال گذشته شروع به اعتراض به «سمفا» کرده‌اند.

علی سرتیپی، تهیه‌کننده فیلم «شهرک» می‌گوید: «در پروسه رأی‌گیری برای بهترین فیلم تماشاگران جشنواره فجر مشکلاتی وجود دارد که متأسفانه در سال‌های قبل هم رخ می‌داد، از جمله اینکه صاحبان فیلم‌ها با هزینه ۲۰۰ تا ۳۰۰میلیون تومانی با خرید بلیت آرای فیلم‌های خود را بالا می‌بردند و این معضلی است که باید برطرف شود تا کسانی که رأی می‌دهند هم خودشان بلیت خریده باشند و هم در سالن سینما حضور داشته باشند و فیلم را ببینند.»

پیامک‌هایی که ارسال نشد

نادران تهیه‌کننده فیلم «شادروان» نیز مدعی است مچ سمفا را گرفته است. نادران درباره چگونگی رخ دادن تخلف می‌گوید: «از روز اول جشنواره که نمایش فیلم‌ها شروع شد، ما تماس‌های زیادی از افرادی داشتیم که گلایه می‌کردند اصلاً پیامک رأی برای آنها ارسال نشده است و نتوانسته‌اند رأی بدهند. من شخصاً در روز اول جشنواره خیلی نتوانستم این موضوع را پیگیری کنم و احتمال دادم ایرادها فنی باشد و برطرف می‌شود اما بعد متوجه شدم ماجرا خیلی عجیب است، مثلاً در یک مورد در سینما لوتوس ۳۹۷نفر به گواه دوربین‌های سینما فیلم شادروان را تماشا کردند و در کمال تعجب فقط برای ۲۰نفر پیامک رأی ارسال شده بود. در روز اول نمایش این فیلم در پردیس سینمایی کوروش هم ۴۸۰تماشاگر در سه سالن خورشید، مایاک و لاله‌زار داشتیم و بلیت فروخته بودیم که در سالن هم حضور داشتند اما فقط برای ۹۰نفر پیامک فرستاده شده بود. تمام این تخلفات به شکل کاملاً هدایت شده در یکسری سینمای خاص اتفاق می‌افتد.»

این تهیه‌کننده در ادامه می‌گوید: «درباره سمفا همیشه گمانه‌زنی و شائبه وجود داشته است، اما برای اولین بار سند و مدرکی برای تخلف آن گرفته‌ایم. من به دوستان حراست سازمان سینمایی و هاشم میرزاخانی گفتم که اصلاً اهل جار و جنجال و مصاحبه نیستم، اما درباره این موضوع تا پای جانم می‌ایستم و حق و حقوقم را می‌گیرم. اصلاً هم مهم نیست که سیمرغی داده شود یا نه، ولی این پرونده را به دلیل آنکه اسنادی در اختیار دارم که هیچ مویی لای درزش نمی‌رود، پیگیری می‌کنم. تمام این اسناد را هم با ادعاهای خود سمفا مطابقت می‌دهم، به همین دلیل به همه دوستان توصیه می‌کنم قبل از آنکه دیر شود، ماجرا را برای فیلم‌های خود پیگیری کنند، چون برای سمفا دیگر آبرویی باقی نمانده است. آنچه من الان توقع دارم این است که دبیر محترم جشنواره و رئیس سازمان سینمایی که در این مدت با پیگیری‌های ایشان به این نقطه رسیده‌ایم، اجازه ندهند یک تعداد افرادی که در سمفا و سینماها سود دارند با حیثیت مهم‌ترین نماد فرهنگی مملکت بازی کنند. الان آنچه در حال رخ دادن است، فقط بی‌اعتبار شدن سیمرغ مردمی نیست بلکه بی‌اعتباری کل جشنواره فجر است و این دولت که شعار شفافیت و عدالت و مبارزه با فساد را می‌دهد، حداقل تلاش کند جلوی چنین تخلف محرزی گرفته شود.»

سال گذشته، محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده فیلم «ابلق» نیز با اعتراض به عملکرد سمفا، آن را باعث بی‌اعتباری سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران دانسته بود؛ اتفاقی که امسال هم در حال رخ دادن است.

نقد فیلم

«بی‌رؤیا» هذیان‌گو و آشفته

«بی‌رؤیا» فیلمی فرم‌زده شده و نتوانسته است متن را به استانداردهای حداقلی برساند، به همین دلیل فیلم کشش و بسترسازی مناسبی برای موضوعش ندارد

افشین علیار

زمانی که قرار است فیلم روانشناسانه ساخته شود، باید زیرساخت‌های دراماتیک آن را هم به مخاطب ارائه کرد. فیلم بی‌رؤیا اولین فیلم آرین وزیردفتری فقط می‌تواند طرح موضوع و آشفتگی در بازی را به یک خلل روانی تبدیل کند. تماشاگر هیچ برداشتی از این فیلم ندارد و نمی‌داند باید دنبال چه چیزی باشد، پس یعنی فیلمنامه‌ای در کار نیست. بی‌رؤیا یک طرح دارد که به هدر رفته و علت آن عدم‌تحقیق و پژوهش درباره بیماری و به وجود آمدن آن است. هیچ اشاره‌ای نمی‌شود که رؤیا چرا به سمت بی‌هویتی و خلل روانی می‌رود. به نظر می‌رسد کارگردان فقط در گوگل توضیح شیزوفرنی یا اسکیزوفرنی را خوانده و حالا آشفتگی متنش را به اختلال روانی کاراکترش پیوند زده است.

اگر وزیردفتری می‌توانست بی‌رؤیا را در حد و اندازه یک اثر روانشناسانه بسازد، قطعاً با یک اثر منسجم مواجه بودیم اما در شرایط کنونی نه درامی شکل گرفته و نه قصه فیلم را جلو می‌برد. آنچه برای فیلمساز مهم بوده، الگوبرداری غلط از مدرنیته و شبیه‌سازی آثار خارجی است، در شرایطی که اینگونه فیلم‌ها حتی در کشور خودمان هم ساخته شده‌اند که نمونه‌اش فیلم «پرده آخر» و «شیفته» است که اتفاقاً آثار قابل توجهی در زمینه توطئه دسته‌جمعی علیه یک نفر هستند اما در بی‌رؤیا یک دوربین وجود دارد که نه جای خودش را می‌شناسد و نه آرام و قرار دارد.

برای ساخت چنین فیلمی حتماً نباید نماهای بسته با لرزش‌های زیاد داشت، این میزانسن نمی‌تواند تبدیل به یک اثر روانشناسانه شود چراکه اساس و پایه آن آنقدر سست است که مخاطب با تمام شدن یک سکانس آن را از یاد می‌برد، حتی خودِ فیلمساز هم نمی‌داند با روند فیلمش چه کار کند.

بابک از بیمارستان خارج می‌شود، در یک پلان چنددقیقه‌ای سوار ماشین می‌شود و ناخودآگاه کسی به شیشه ماشین می‌زند و کات، مشخص نمی‌شود آن شخص چه کسی بوده! از طرفی دیگر ژانر و نمایه‌های آن پنهان است. ما با فیلم سوررئال یا ترسناک یا روانشناسانه طرف نیستیم، یک توطئه‌ای صورت می‌گیرد که پی‌ریزی مناسبی ندارد.

فیلم تغییر فاز می‌دهد؛ رؤیا و زیبا وارد یک حس انتقامجویی زنانگی می‌شوند که ربطی به کلیت ندارد، یعنی نمی‌تواند به خواسته کارگردان نزدیک شود، حتی وجود داریوش و وام و ممنوع‌الخروجی رؤیا هم اضافه است و کارکردی ندارد، یعنی دلیل وجود این مسائل به فیلم روانشناسانه ربطی ندارد.

عدم‌هویت و جهان موازی و تغییر روایت نمی‌تواند صرفاً در اجرا شکل بگیرد، به طور مثال بازی با نور یا باران و تاریکی یا فلوکردن‌ها جواب به وجود آمدن یک اثر ترسناک یا سوررئال را نمی‌دهد چراکه عناصر تشکیل‌دهنده این گونه از آثار باید در فیلمنامه شکل بگیرند.

قاعدتاً اگر فیلمنامه با انسجام نوشته شود، فرم به دست می‌آید و کارگردان مجبور نیست دوربینش را بلرزاند. بی‌رؤیا فیلمی است که درگیر فرم‌زدگی شده و نتوانسته است متن را به استانداردهای حداقلی برساند، به همین دلیل فیلم کشش خاصی ندارد و بسترسازی مناسبی برای موضوعش ندارد و کارکرد ژانر را نادیده گرفته است، بنابراین این فیلم می‌توانست کوتاه باشد تا اثرگذاری‌اش بیشتر می‌بود. در حال حاضر ایده فیلم به شدت هدر رفته و حتی بازی‌ها هم نمی‌تواند متقاعدکننده باشد.

به نظر می‌رسد این نقش برای طناز طباطبایی سنگین بوده یا اینکه او نتوانسته شخصیت رؤیا را باورپذیر بازی کند، به هر حال فیلم بی‌رؤیا در حد یک اثر تجربی باقی مانده است.

کتاب

«ماه به روایت آه» به چاپ دهم رسید

«ماه به روایت آه» نوشته مرحوم ابوالفضل زرویی‌نصرآباد روایت او از زندگانی و شخصیت حضرت ابوالفضل‌العباس(ع) توسط انتشارات نیستان به چاپ دهم رسید.

چاپ دهم «ماه به روایت آه» نوشته مرحوم ابوالفضل زرویی‌نصرآباد روایت او از زندگانی و شخصیت حضرت ابوالفضل‌العباس(ع) ماه بنی‌هاشم از سوی انتشارات کتاب نیستان وارد بازار نشر شد. نویسنده در این کتاب کوشیده است از زبان ۱۲راوی، ناگفته‌هایی از قبل و بعد از شهادت پرچمدار کربلا را با امانتداری، پایبندی به مستندات تاریخی و روایی و پرهیز از اغراق روایت کند. برخلاف انتظار، در این کتاب به شکل و شیوه شهادت حضرت ابوالفضل(ع) اشاره‌ای نشده و نویسنده عمده همت خود را صرف بازگویی و رازگشایی از اموری کرده که با وجود جذابیت برای مخاطب متأسفانه کمتر به آنها پرداخته شده است؛ اموری همچون خانواده مادری، کودکی، ازدواج، فرزندان، برادران، حیطه دانش و معرفت و جایگاه آن حضرت در میان اهل بیت(ع) و مسلمانان آن روزگار.

از دیگر جذابیت‌های این کتاب، ذکر تاریخ شمسی تمامی رخدادهاست که خواننده فارسی‌زبان را با زمان وقوع حوادث در روز و ماه و سال هجری شمسی آن وقایع آشنا می‌کند.

سینما

نگاه سرد منتقدان سینما به برخی انتخاب‌های جشنواره فجر

کیفیت برخی فیلم‌ها در شأن جشنواره چهلم نیست

محمدصادق عابدینی

برخی فیلم‌های حاضر در چهلمین جشنواره فیلم فجر از نظر کیفیت در جایگاه مورد انتظار این جشنواره نیستند.

چهلمین جشنواره فیلم فجر با تأکید بر اینکه عدد ۴۰در فرهنگ دینی و ملی ما نمادی از کمال است، باید نماد پختگی و شکوه این جشنواره مهم هنری می‌شد که نویددهنده ورود سینمای انقلاب اسلامی به پنجمین دهه فعالیت باشد اما آنچه تا روز پنجم شاهد آن بودیم، حضور فیلم‌هایی ضعیف و متوسط بود که حتی شاید برخی از آنها شانس حضور در جشنواره‌های محلی را هم نداشتند. ضعف شدید آثار حاضر در این دوره از جشنواره در برخورد سرد و توأم با انتقاد منتقدان سینما و اصحاب رسانه مشخص است. فیلمی را نمی‌توان پیدا کرد که تحسین منتقدان را به همراه داشته باشد. در بهترین حالت، فیلم‌های متوسط در این جشنواره حضور پیدا کرده‌اند. انتخاب برخی فیلم‌ها شائبه‌برانگیز بوده و سؤالات زیادی را به همراه داشته است که چرا هیئت انتخاب این دوره از جشنواره برای انتخاب آثار حساسیت بیشتری به خرج نداده‌اند.

نقدهای منفی منتقدان سینما که به نحوی مخاطبان حرفه‌ای سینما به شمار می‌روند، نشان‌دهنده مسیر اشتباهی است که در انتخاب آثار این دوره از جشنواره در پیش گرفته شده است.

از نواقص بزرگ این دوره از جشنواره، اصرار بر جوان‌گرایی به جای کشف استعداد جوان است. حضور فیلمسازان جوان در جشنواره نویدبخش پویایی در سینمای ایران است، اما هر فیلمساز جوانی را نمی‌توان به صرف پایین بودن سن، به عنوان یک فیلمساز بااستعداد به حساب آورد. فیلمسازانی که در فیلم‌های اول و دوم خود موفق نبوده‌اند، به لطف حمایت بنیاد فارابی که از بودجه عمومی تغذیه می‌شود، فرصت گرفته‌اند تا فیلم ضعیف دیگری را تحویل سینما دهند! این نقصی است که سینمای دولتی ایران چنددهه است آن را با خود یدک می‌کشد. فیلمساز بی‌استعداد به واسطه رانت، از فارابی بودجه می‌گیرد و فیلمی می‌سازد که در جشنواره فیلم فجر، با واکنش‌های منفی زیادی روبه‌رو می‌شود، این البته به ضعف دولت قبل بازمی‌گردد.

تعداد بالای فیلم اولی‌ها، می‌توانست برگ برنده چهلمین دوره از جشنواره فیلم فجر باشد، ولی آنچه حداقل تا امروز در جشنواره دیده شده، این است که رانت نام پدر شاید باعث شود پسر یک فیلم را کارگردانی کند و آن را به جشنواره راه دهند، ولی همه چیز در فجر به بوته نقد گذاشته می‌شود و عیار پایین آقازاده‌های فیلمساز خودش را خیلی زود نشان می‌دهد. ای کاش دست‌اندرکاران جشنواره فیلم فجر، به مناسبت اینکه چهلمین دوره این جشنواره نقش نمادینی برای افکار عمومی بازی می‌کند، توجه بیشتری به نوع انتخاب‌های خود داشتند.

رادیو

به همت رادیو نمایش انجام می‌شود

پخش نمایش «طلوع» بر اساس زندگی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

روایت نمایشی فرازهایی از مقاطع سنی کودکی و نوجوانی حضرت آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در قالب نمایش رادیویی «طلوع» به مناسبت ایام دهه فجر و در آستانه ۲۲بهمن، از آنتن شبکه رادیویی نمایش پخش می‌شود.

شهریار زمانی، نویسنده نمایش رادیویی طلوع گفت: نگارش این نمایش رادیویی با پیشنهاد آقای سوهانی مدیر رادیو نمایش آغاز شد. ایده کار به تدریج شکل گرفت و ابعاد متن با توجه به حساسیت سوژه، وسعت و گستردگی موضوع تنظیم گردید. وی ادامه داد: انتخاب بستر تاریخی برای روایت ابتکار خودم بود چراکه تولد و نوجوانی رهبر معظم انقلاب همزمان با مقاطع حساس و سرنوشت‌سازی از تاریخ معاصر ایران است. زمانی افزود: اولویت کار اتقان و صحت روایت و تأکید بر مستند بودن متن بود اما از تخیل هم برای نمایشی شدن متن و باورپذیر شدن بهره بردم. وی همچنین تأکید بر شعاری نبودن و نپرداختن مستقیم به سوژه را از دیگر اولویت‌های کار دانست. این نویسنده در پایان گفت: از کتاب «شرح اسم» به عنوان منبع برای نگارش این نمایش رادیویی بهره بردم و در خاتمه لازم می‌دانم از خانم رضایی تنظیم‌گر متن که نقش بسزایی در غنای اثر و دراماتیزه کردن روایت داشتند، تشکر کنم. نمایش رادیویی «طلوع» به نویسندگی شهریار زمانی، کارگردانی بهرام سروری‌نژاد، تهیه‌کنندگی فرشاد آذرنیا، صدابرداری مجید آینه، افکتوری محمدرضا قبادی‌فر و با هنرمندی نوشین حسن‌زاده، مونا صفی، احمد هاشمی، مجتبی طباطبایی، و فریبا طاهری، پنج‌شنبه ۲۱بهمن ماه ساعت ۲۱ از رادیونمایش پخش می‌شود و جمعه ۲۲بهمن ماه ساعت ۸ صبح، تکرار آن است.

موسیقی

اجراهای سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر

تقدیم ۲ اجرای موسیقی فجر به سردار دل‌ها

مصطفی شاه‌کرمی

در ادامه برنامه‌های سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر دو اجرای صحنه‌ای تقدیم شهید سردار حاج قاسم سلیمانی می‌شود و در بخش اجراهای بین‌الملل هنرمندانی از کشورهای ایتالیا، مصر، افغانستان، هلند و مقدونیه برای علاقه‌مندان ایرانی به اجرای موسیقی خواهند پرداخت.

برنامه اجراهای سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر از امروز که اولین اجراهای موسیقی پاپ با اجرای چهار کنسرت در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران آغاز می‌شود، در روزهای آینده شاهد هنرنمایی گروه‌های داخلی و بین‌المللی خواهد بود.

در همین رابطه اجراهای ارکستر صداوسیما و نوای سیمره در جشنواره موسیقی فجر به سردار دل‌ها تقدیم خواهد شد. ارکستر صداوسیما به رهبری آرش امینی روز جمعه ۲۲بهمن ماه ساعت ۱۸:۳۰ در تالار وحدت به صحنه می‌رود و دو قطعه شامل پوئم سمفونی سرباز و اروند را اجرا خواهد کرد. همچنین گروه نوای سیمره به سرپرستی مهران غضنفری از لرستان نیز روز شنبه ۲۳ بهمن ماه ساعت ۱۸:۳۰ اجرای خود را تقدیم به سردار دل‌ها خواهد کرد. در بخش بین‌الملل این دوره از جشنواره هنرمندانی از کشورهای ایتالیا، مصر، افغانستان، هلند و مقدونیه نیز برای علاقه‌مندان ایرانی به اجرای موسیقی می‌پردازند. اجرای ارکستر کوچک جیووانی گوئیدی، نوازنده ایتالیایی یکی از این کنسرت‌هاست که روز دوشنبه، ۲۵بهمن‌ماه ساعت ۱۸:۳۰ در تالار وحدت تهران توسط این گروه شش نفره ایتالیایی روی صحنه می‌رود. در یکی دیگر از اجراهای بخش بین‌الملل، محمد ابوذکری، نوازنده مصری ساز عود و ارسو کازیموف، نوازنده کوبه‌ای اهل مقدونیه در سالن نیاوران هنرنمایی می‌کنند. کنسرت دونوازی این هنرمندان روز یک‌شنبه ۲۴بهمن ۱۴۰۰ ساعت ۱۸:۳۰ در سالن نیاوران برگزار خواهد شد. نیکولاس فن پوکه، پیانیست اهل هلند نیز ساعت ۱۹:۳۰ روز ۲۴بهمن در سالن نیاوران روی صحنه می‌رود. همچنین روز جمعه ۲۲بهمن ماه هنرمندان اهل افغانستان متشکل از هفت نفر با عنوان قوالی نجم‌الدین شامل جواد تابش، آصف حبیبی، عبدالقادر عزیزی، عبدالخالق عزیزی و غلام سخی‌رسولی، هوشنگ جاوید و نعمت‌الله حسین‌زاده در سالن فرهنگسرای ارسباران ساعت ۱۸:۳۰ در بخش بین‌الملل به صحنه خواهند رفت. این گروه مدت کوتاهی است با همکاری تعدادی از هنرمندان موسیقی افغانستان فعالیت خود را آغاز کرده و در حرکت نوینی متن‌های اشعار آیینی شاعران معاصر ایرانی با گونه‌های راگ‌ها و آوازهای هراتی را درهم آمیخته است تا به یک نوآوری تلفیقی در جهت تولید موسیقی معنوی برسد، ضمن آنکه گسترش زبان و ادبیات آیینی پارسی معاصر نیز مورد توجه گروه قرار داشته است.